

اسرار
جرمنی، 01.01.1391



بلبلا مژدهء بهار بیار
خبر بد به بوم و باز گذار

هرگاه نخستین روز بهار را نخستین روز آفرینش بشماریم پس این روز را باید گرامی داشت. بدین مناسبت صمیمانه ترین تبریکات خود را برای تمام مردمان جهان با سپاس و حرمت تقدیم میدارم و سال نو پر سعادت و پر میمنت را برای همه آرزو میکنم.

هموطن و همدیار با حلول سال نو باید کمی با خود به اندیشم همه ما از بیرون تا داخل کشور، در سالی که گذشت چگونه بود؟ چه سان گذشت؟ دیگران چه کردند؟ و ما چه کردیم؟ در کدام سمت استاده بودیم؟ چه نقشی را بازی کردیم؟ چه سهمی را ایفا کردیم؟ پیوند ما با کی بود؟ منفعت کار کرد ها و اعمال ما برای چه کسی رسید؟ ضرر فعالیت های کار های عرصه های مختلف ما که انجام دادیم به چه کسی رسیده است؟ در راه بهبود و رفاه مردم چه عملی انجام دادیم؟ و ... هزاران هزار پرسش

دیگر از خوبی‌ها و بدی‌ها از مؤثر بودن و غیر مؤثر بودن مان. و بدین منوال مطالب و موضوعات دیگر. اکنون که صفحه دیگری از روزگار زندگی ما ورق خورده نباید با تشویش و غم و اندوه و حسرت وقت را سپری کنیم زیرا در حسرت و غم و اندوه زندگی کردن نه آنکه مفادی ندارد بلکه مانند موریانه انسان را میخورد و نا بود میسازد. بنا باید بلند شد، باید با عظم راسخ به پا استاد و هر آنچه که فرا گرفتیم و آموختیم و میدانیم باید و جیبه خود بدانیم که با دیگران آن را انتقال بدهیم و برسانیم. تا باشد همان سانیکه بته‌های مختلف و گوناگون از قهر عمق زمین با آهستگی و متانت که گویا از دانش وسیع بر خوردار اند زمین را پاره نموده و همه دشت و دمن و باغ و صحرا را سر سبز نموده جهان را به شادی و سرور دعوت میکنند. پس بر همه ما کسانی که از اندیشه آزادی و عدالت خواهی پویا و سازنده بر خورداریم. چرا مانند همین سبزه‌ها در راه رفاه و آرامی مردمان دست به هم نمی‌دهیم. باید از این رستا خیز طبیعت که نوروز بزرگترین تجلی آن پذیرفته شده است و ارمغان آور زیبایی‌ها را در جهان در هر سال با رستاخیز جدیدی تجربه میکند به آموزیم.

آیا اعمال انسان مبنی بر کشتار انسانهای دیگر در عصر کنونی به هر شکل و رسم و اسم و... که است، خشن‌ترین عمل نیست؟ پس باید پذیرفت که هر گاه رستا خیز طبیعت همه ساله بر زیبایی طبیعت در جهان می‌افزاید چه باکی است که رستا خیز انسان بر رفاه و آرامی انسان نقش خود را آذین به بندد تا جامعه انسانی شود. ولی باید با درایت و دانش پذیرفت که این رستا خیز و تغیر را باید نخست در وجود خود و اعمال و کردار خود هر کدام ما انجام بدهیم. چنانچه به گفته لئو تولستوی: «هر کس به فکر تغیر جهان است. اما هیچ کس به فکر تغیر خویش نیست.» و این اشتباه بزرگ است. نخست باید اشتباه خود را تصحیح کرد زیرا هیچ کسی نیست که در جریان کار و عمل کرد خود دچار اشتباه نشود. ولی رسالتمند بودن انسان متعهد به آرمانهای بشری آنست که اشتباه خود را بپذیرد و در راه اصلاح و بهبود آن عمل کند. و اگر کسی به این عقیده و نظر باشد که اشتباه نکرده و اشتباه نمی‌کند بزرگترین اشتباه و سهو و خطای وی همین خواهد بود که چنین فکر میکند. انشتین دانشمند بزرگ میگوید: «اگر کسی احساس کند که در زندگیش هیچ اشتباهی را نکرده است، به این معنی است که هیچ تلاشی در زندگی خود نکرده.» این بدان مفهوم است که مرده باشد و از حرکت باز مانده باشد و آن وقت نیست که آهسته آهسته از بین میرود. ولی انسانی که به تغیر خود اقدام میکند، انسانیکه به تصحیح اشتباهات خود می‌نشیند، انسانیکه سخنان و نظریات دیگران را با تفکر سالم به بر رسی میگیرد، انسانیکه به فهم و قدرت و توانائی دیگران با صداقت بر خورد میکند، انسانیکه منافع شخصی خود را بالا تر از منافع جامعه ترجیح نمی‌دهد، انسانیکه همیشه در راه هم‌آهنگی و هم بستگی مردم سعی و تلاش خود را به خرچ میدهد با انسانهای دیگر جامعه در این راه و کار و زار با صداقت و ایماندارای دست به هم میدهد. بر دیگران که در

عین راه در حرکت اند اعتماد میکنند در کار و حرکت خود در راه خدمت به مردم و جامعه با صداقت تام به پیش میروند و هیچ نوع غل و غش را به خود راه نمی دهند، این درست است که نمی توان در این راه بر همه کس صد در صد باور کرد ولی اکثریت قابل باور اند و اگر کسی بر هیچکس باور و اعتماد نمیکند و نمی داشته باشد این بدان مفهوم است که اصلا وی بر خود هم باور ندارد و این کاریست مخوف و نا درست. باید صادق بود، بر خود باید در قدم اول اعتماد داشت و بعدا بر دیگران باید اعتماد کرد. در برابر صداقت دیگران نباید سیاست کرد زیرا این عمل جرم است و در یک کلام خیانت است. و هیچکس نباید به چنین کاری دست بزند. دکتور علی شریعتی می نویسد: «... سیاست در مقابل صداقت دیگران، خیانت» است.

مسائل و موضوعات مهم جامعه ما و محیط روشنفکری ما را بی اعتمادی ها، شک و تردید در مقابل همدیگر عدم پذیرش همدیگر، تعقیب خطوط و راه و شیوه انتخابی قبلی چه درست بوده و چه نا درست، چه در شرایط کنونی موثر است و قابل تطبیق است و یا نه، پیروی و اطاعت از افراد و اشخاص قبلی که اکثرا در معاملات بر پایه منافع شخصی با آنها هم سو و یا منفعت بدست آورده اند، و یا حتی عده ی کاملاً بی آرایش بر روی احساسات پاک زندگی خود از آنها اطاعت نموده اند اکنون نیز همین مسایل جریان دارد. ولی بر ماست که باید راه خود را بصورت روشن و درست دور از معامله گران انتخاب و به پیش ببریم. به خصوص جوانان شما کمی خود را تکان بدهید، شما بهتر و خوب تر از آنهایی استید که تا کنون همیشه هدایت داده اند و میخواهند میراثی این کار را تا زمان مردن خود در قبضه داشته باشند. شما استید که جامعه بشری را رهنمون و به تکامل آن با تفکر تازه و دانش خود مسیر درست خواهید داد. زیرا جامعه بشری در حال رشد و تکامل است و جامعه و محیط انسانی را باید همیشه مطابق شرایط همان زمان تحلیل کرد جامعه شناسی و تحلیل جامعه نمیتواند ثابت و ابدی باشد و پیشبرد کار در جامعه بشری مستلزم تحلیل و تجزیه درست فاکتور های موجود و متشکله همان زمان و شرایط همان جامعه است. ما نباید بصورت کور کورانه و دگم قسمتی از یک سلسله مسایل و تحلیل های اشخاص و افراد و پیشوایان جنبش های بشری را که در آن زمان بر شرایط جوامع بشری بصورت قسمی یا کلی مورد تطبیق بود و امروز با در نظر داشت رشد اجتماعی، کلتوری، فرهنگی، اقتصادی، تخنیکی و سیاسی بخشی از آن نمی تواند مطرح بحث باشد ما نباید بدون چون و چرا آن را بپذیریم. ما باید شیوه ها و طرق جدید کاری را از تجزیه، تحلیل و ارزیابی جامعه خود و جامعه جهانی بدست بیاوریم و آن را فورمول بندی نماییم. با در نظر داشت این مطالب جوامع بشری در حال رشد و تکامل بوده و در حال پیشرفت سریع میباشند. بنا کار و پیکار در جوامع بشری بخاطر اعشار دنیای فارغ از ظلم و بی عدالتی و رفاه همگانی نیز همیشه در تغییر و تکامل است و هیچ گاهی ثابت نمی ماند. زیرا این فورمول ها و طرق کار را تعدادی از انسانهای با

دانش جامعه بشری تحت شرایط همان وقت خود تدوین و طرح ریزی نمودند. و آنها شرایط کنونی را با تمام ابعاد آن که اکنون جاریست ندیده بودند. بناً آن قسمتی از نظریات شان که بر وضع و شرایط کنونی وفق ندارد ما نباید به تطبیق آن پا فشاری کنیم و از جانبی هم این به مفهوم رد اساسات تیوری مطروحه آنها نیست که قابل تشویش باشد. زیرا همه این طرح ها و فرمول بندی ها تحلیل و تجزیه انسانها است و ما نباید آن را مانند آیات نازل شده از جانب خداوند (ج) برای پیغمبران تلقی کنیم. این قرآن شریف است که کلام خداوند بزرگ (ج) میباشد و برای حضرت محمد مصطفی (ص) نازل شده و برای ابد ثابت است. مسایل، طرح ها، فرمول بندیها و شیوه های کاری انسانی در جامعه بشری در تحول است و تغییر میکند. در صورت ثابت نگهداشتن آن همه چیز دگرگون میشود و مسیر حقیقی به کج راهه رفته به عوض مفاد به ضرر تمام میشود. به این ارتباط سوالاتی در ذهن انسان آرایش می یابند که چرا احزابی که در راه اعمار جامعه همگانی کار میکنند و برای اکثریت مردم رفاه و آرامی را می خواهند به عوض رشد و پیشرفت و کسب پشتیبانی این اکثریت بی همه چیز کار شان بی نتیجه و نمی توانند مردم را به طرف خود جلب کنند. واضح است که آنها بر همان طریقه های مطرح بیشتر از یکصد سال پیش شرایط جهان در حرکت استند که جوابگوی شرایط و وضع کنونی جهان به هیچ صورت نیست. باز هم تکراراً باید گفت که جهان را باید مطابق شرایط کنونی تحلیل کرد به تجزیه فکتور های آن بصورت دقیق اقدام و راه های حل آن را پی ریزی نمود.

به امید خوشبختی تان در سال نو